

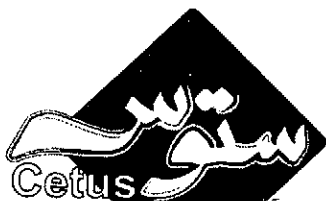
بسم الله الرحمن الرحيم



اصلاح طلبی سکولار

مهدی جمشیدی

کندوکاوی جامعه‌شناختی در فزون‌خواهی
سیاسی طبقه متوسط متجدد در جامعه
مناخر ایران



سرشناسه	: جمشیدی، مهدی، ۱۳۶۰ -
عنوان و نام پدیدآور	: اصلاح طلبی سکولار کتدو کاوی جامعه‌شناسی در فزون خواهی سیاسی طبقه متوسط متجدد در جامعه متأخر ایران / مهدی جمشیدی.
مشخصات نشر	: تهران : ستوس، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	: ۳۴۴ ص.
شابک	: 978-600-6703-06-0
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: عنوان دیگر: اصلاح طلبی سکولار پیشینه تاریخی هویت فکری علل ظهور و افول
مداخلت در فتنه گری.	: اصلاح طلبی سکولار پیشینه تاریخی هویت فکری علل ظهور و افول مداخلت در
عنوان دیگر	: فتنه گری.
موضوع	: موضوع
موضوع	: موضوع
موضوع	: موضوع
موضوع	: موضوع
رده بندی کنگره	: ایران -- تاریخ -- جمهوری اسلامی، ۱۳۷۶ - ۱۳۸۴.
رده بندی دیویی	: ایران -- سیاست و حکومت -- ۱۳۷۶ - ۱۳۸۴.
شماره کتابشناسی ملی	: DSR1591 / ج۶ / الف / ۹۵۵/۰۸۴۴۰۴۵۲
	: ۲۸۰۴۵۹۰



اصلاح طلبی سکولار

مولف: مهدی جمشیدی

ناشر: ستوس

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۲

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۷۰۳-۰۶-۰

تلفن: ۶۶۴۸۶۳۲۶

قیمت: ۱۵۰۰۰ ریال

«روند "غرب‌باوری" و "غرب‌زدگی" را که متأسفانه داشت در بدنه‌ی مجموعه‌های دولتی نفوذ می‌کرد، [شما در آغاز دولت نهم] متوقف کردید؛ این چیز مهمی است. حالا یک عده‌ای در جامعه، ممکن است به هر دلیلی، شیفته‌ی یک تمدنی یا یک کشوری باشند؛ اما این [شیفتگی] وقتی به بدنه‌ی مدیران انقلاب و مجموعه‌های انقلاب نفوذ می‌کند، چیز خیلی خطرناکی می‌شود. این [وضعیت] دیده می‌شد. [...] "گرایش‌های سکولاریستی" که [...] داشت در بدنه‌ی مجموعه‌ی مدیران کشور نفوذ می‌کرد، جلوی‌ش گرفته شد. نظام انقلابی، بر مبنای دین و بر مبنای اسلام و بر مبنای قرآن شکل گرفته و به همین دلیل، از حمایت میلیونی این ملت برخوردار شده [است...]; آن وقت مسؤولان یک چنین نظامی، دم از "مفاهیم سکولاریستی" بزنند؟! "یکی بر سر شاخ و بُن می‌برید"؛ یعنی خودشان بنشینند و بنا کنند بُن این مبنای قاعده را کلنگ زدن! خیلی چیز خطرناکی بود.»

(فرازی از بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ دوم شهریور ماه ۱۳۸۷).

فهرست

۱۱	پیشگفتار.....
۱۷	مقدمه.....
۱۷	۱- مسأله‌ی پژوهش.....
۱۸	۲- هدف‌های پژوهش.....
۱۹	۳- سوؤال‌های پژوهش.....
۱۹	۴- ضرورت‌های پژوهش.....
۲۱	۵- پیش‌فرض‌های پژوهش.....
۲۲	۶- قلمرو نظری پژوهش.....
۲۲	۷- مبانی نظری پژوهش.....
۲۴	۸- روش‌های گردآوری داده‌های پژوهش.....
۲۵	۹- رویکرد تحلیل داده‌های پژوهش.....
۲۵	۱۰- سطح پژوهش.....
۲۵	۱۱- ساختار و چیدمان پژوهش.....
۲۷	۱۲- تعریف مفاهیم کلیدی پژوهش.....
۲۷	۱-۱۲- اصلاح و اصلاح‌طلبی.....
۲۸	۲-۱۲- طبقه‌ی متوسط متجدد.....
۳۲	۳-۱۲- سکولاریسم.....
۳۴	۱۳- اهمّ نتایج و یافته‌های پژوهش.....
۳۷	۱۴- گستره‌ی دستاوردهای مترتب بر پژوهش.....
۳۸	۱۵- پیشینه‌ی پژوهش.....

۱۶- نوآوری‌ها و مزیت‌های پژوهش.....	۳۸
۱۷- ملاحظات و تذکرات نظری.....	۳۸
۱۸- تقدیر و تشکر.....	۴۰
فصل اول: نخستین چالش‌گری با اصلاح‌طلبی سکولار.....	۴۳
مقدمه.....	۴۳
۱- مجلس و قانون‌گذاری.....	۵۱
۲- آزادی.....	۵۹
۳- مساوات.....	۶۲
۴- خودی و غیرخودی.....	۶۳
جمع‌بندی.....	۶۸
فصل دوم: ماهیت نظری اصلاح‌طلبی سکولار.....	۷۷
مقدمه.....	۷۷
۱- غایت اصلاح‌طلبی سکولار؛ بازگشت «به» انقلاب یا بازگشت «از» انقلاب.....	۷۹
۲- علل و دلایل دگردیسی ایدئولوژیک.....	۱۰۴
۳- چگونگی گذار اصلاح‌طلبی سکولار از تفکر امام خمینی.....	۱۱۴
جمع‌بندی.....	۱۱۸
فصل سوم: علل ظهور اصلاح‌طلبی سکولار.....	۱۲۳
مقدمه.....	۱۲۲
۱- تعمیق شکاف طبقاتی در اثر سیاست اقتصادی دولت سازندگی.....	۱۲۵
۲- غفلت دولت سازندگی از فرهنگ.....	۱۳۰
۳- تحدید فضای سیاسی - انتقادی از سوی دولت سازندگی.....	۱۳۵
۴- دواگانی‌ها و تناقض‌های ارزشی در رفتار کنشگران جریان راست.....	۱۳۶

۱۴۰	۵- بسترآفرینی فرهنگی و معرفتی روشنفکران
۱۴۹	۶- ویژگی‌های محمد خاتمی
۱۵۲	۷- همگرایی گروه‌ها و احزاب سیاسی متعدد
۱۵۶	جمع‌بندی
۱۶۱	فصل چهارم: علل افول اصلاح‌طلبی سکولار
۱۶۱	مقدمه
۱۶۲	۱- تداوم سیاست تعدیل اقتصادی
۱۶۳	۲- تمرکز محض بر دغدغه‌های سیاسی و روشنفکرانه
۱۶۸	۳- ستیز با ارزش‌های اسلامی و انقلابی
۱۹۱	۴- کشمکش درونی اصلاح‌طلبان
۱۹۳	۵- ناتوانی خاتمی در برآورده کردن مطالبات ساختارشکنانه
۱۹۳	۶- غوغازیستی و تنش‌آفرینی اصلاح‌طلبان
۱۹۴	۷- روشنگری‌های نیروها و گروه‌های انقلابی و متعهد
۲۰۱	۸- امدادهای غیبی برخاسته از دعای صالحان
۲۰۲	جمع‌بندی
۲۰۵	فصل پنجم: مداخلیت اصلاح‌طلبی سکولار در فتنه‌ی اجتماعی سال (۱۳۸۸...)
۲۰۵	مقدمه
۲۱۰	۱- تحلیل جامعه‌شناختی فتنه‌ی اجتماعی سال ۱۳۷۸
۲۱۸	۲- تحلیل جامعه‌شناختی فتنه‌ی سال ۱۳۸۸
۲۱۹	۱-۲- نمایش مختصر از سیر رویدادهای فتنه‌ی اجتماعی سال ۸۸
۲۲۳	۲-۲- تحلیل فتنه‌ی اجتماعی سال ۸۸
۲۲۳	۱-۲-۲- علل بعید و بنیادی فتنه‌ی اجتماعی سال ۸۸

۲-۲-۲- علل قریب و جزئی فتنه‌ی اجتماعی سال ۸۸..... ۲۳۵

۲-۳- تعلیل خیزش اجتماعی «نهم دی‌ماه» سال ۸۸..... ۲۳۹

جمع‌بندی..... ۲۴۱

نتیجه‌گیری..... ۲۴۷

روایت یکم: معز متفکر انقلاب و مخاطره‌ی «التقاط‌گری معرفتی»..... ۲۴۷

روایت دوم: رهبر معظم انقلاب و مخاطره‌ی استحاله‌ی «ساخت ماهوی»..... ۲۵۹

روایت سوم: عمل‌بصیر انقلاب و مخاطره‌ی گسستن از «ارزش‌های اسلامی»..... ۲۶۳

ضمیمه‌ها..... ۲۷۳

ضمیمه‌ی اول: مؤلفه‌های بنیادی نظریه‌ی سیاسی امام خمینی (ره) [شناسایی گسست‌ها

با نظریه‌ی سیاسی اصلاح‌طلبی سکولار]..... ۲۷۳

ضمیمه‌ی دوم: دگردیسی‌های «مرد خاکستری» اصلاحات سکولار..... ۲۹۷

ضمیمه‌ی سوم: آرمان شهر شیعی؛ «عینی» یا «ذهنی»؟..... ۳۰۷

ضمیمه‌ی چهارم: «جدایی نادر از سیمین»؛ طنین تصویری «اصلاح‌طلبی سکولار»..... ۳۱۳

پیشگفتار:

انقلاب اسلامی از روزهای آغازین پیروزی به بعد، همواره با خصوصیت‌ورزی‌ها و توطئه‌ها و چالش‌های متعددی دست به گریبان بوده است و این وضعیت خاص، در درجه‌ی نخست به «ماهیت» و «غایات» این انقلاب بازمی‌گردد. اثر واضح است انقلابی دین‌خواه و دین‌گرا که در جهان «سکولار» و «تسلیم‌اقتضانات و معیارهای غرب شده»، یک‌باره سر برمی‌آورد و همدی آنجه هست را نادیده می‌انگارد و نظم و سامان متفاوتی را پیش‌روی انسان معاصر می‌گذارد، در حقیقت، خود را در مقابل قدرت‌های پردازنده‌ی وضعیت موجود و مستقر، معنا و محقق کرده است. و به راستی، این چنین برده است. انقلاب اسلامی را به هیچ‌رو نمی‌توان امتداد خط عمومی حرکت و تحولات جهان معاصر درک و فهم کرد: جهانی که به دنبال غرب مدرن، به سوی «سکولاریسم» هرچه بیشتر و متراکم‌تر پیش می‌رود و وضعیت موجود را، برگشت‌ناپذیر و قهری تصویر می‌کند.

کودتا، حمله‌ی نظامی، تحریم اقتصادی، ترور و جنگ داخلی، تهاجم فرهنگی، جنگ روانی و رسانه‌ای و... از جمله ده‌ها پروژه‌ای بوده است که از سوی دشمنان در راستای «براندازی» و «اضمحلال» انقلاب اسلامی طراحی شد و به اجرا درآمد. اما در این میان، انقلاب اسلامی از

«درون» نیز مورد تهدید قرار گرفت؛ تهدیدی که این بار نه از سوی بیگانگان و نیروهای ضدانقلاب، بلکه از سوی نیروهای «انقلابی» و «خودی»، ساخته و پرداخته شده بود، اما در عین حال، بسیار بنیان‌برافکن‌تر و مخاطره‌آمیزتر از تهدیدهای خارجی بود. توضیح این که از یک سو، در سال‌های پایانی دهه‌ی شصت، «دگردیسی» و «تحول» فکری و ایدئولوژیک پاره‌ای از نیروهای انقلابی که بعدها «اصلاح‌طلب» خوانده شدند، آغاز گردید؛ و از سوی دیگر، به دنبال آن و یا در کنار آن، پاره‌هایی از جامعه نیز از «ارزش‌های اسلامی» فاصله گرفتند و به «غرب» و معیارها و الگوهای غربی روی آوردند. چندی نگذشت که «طبقه‌ی متوسط متجدد»، گسترش اجتماعی و نظم تشکیلاتی یافت و توانست با تکیه بر سه بازوی فعال خویش - «روشنفکران سکولار»، «جنبش دانشجویی سکولار» و «احزاب سکولار» - در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۷۶، به پیروزی دست یابد و دولت «اصلاحات» را رقم بزند. اصلاح‌طلبان سکولار را باید یکی از چالش‌زاترین نیروی‌های سیاسی و اجتماعی در دوره‌ی پس از انقلاب قلمداد کرد؛ زیرا تنها این گروه بودند که توانستند دو «فتنه‌ی اجتماعی» پیچیده و بزرگ را بر نظام اسلامی تحمیل کنند: «فتنه‌ی اجتماعی سال ۱۳۷۸»، و «فتنه‌ی اجتماعی سال ۱۳۸۸». در دوران پس از انقلاب، حوادث و رخداد‌های تلخ بسیاری در مقابل انقلاب، صف‌آرایی کردند، اما هیچ‌یک «فتنه» نام نگرفتند و یا دست‌کم، چنین تأثیرات پُردامنه و ماندگاری را از خود به جا نهند. به این ترتیب، یکی از برهه‌های حساس و چالش‌برانگیز حیات انقلاب، دوران «حاکمیت هشت ساله‌ی

اصلاح‌طلبان» است. طی سال‌های ۸۴-۱۳۷۶، فضای سیاسی و فرهنگی کشور در اثر رویکردها و اقدامات اصلاح‌طلبان، «تکانه‌ها» و «تنش‌ها» و «گزنده‌ها»ی متعددی را متحمل گردید؛ به گونه‌ای که آثار و پیامدهای برخی از آنها، همچنان در جامعه، باقی و ماندگار است. وضعیت «بحرانی» و «قرمز» یاد شده، ناشی از این واقعیت تلخ است که اصلاح‌طلبان در پی مسخ و استحاله‌ی «هویت دینی و انقلابی» انقلاب بودند؛ آن‌چنان که باید پروژه‌ی حقیقی و پنهان نگه داشته شده‌ی آنها را «سکولاریزاسیون» دانست. در واقع، آنچه که در فضای عمومی به عنوان «توسعه‌ی سیاسی» یا «دموکراتیزاسیون» مطرح گردید، ماهیت و حقیقتی جز «سکولاریزاسیون» جامعه و حاکمیت سیاسی ایران نداشت. بدون شک، تدبیرهای حکمانه و امام‌گونه‌ی مقام معظم رهبری (حفظه‌الله) در راستای مهار و مدیریت این روند سیاسی مخرب و ویرانگر، نقش تعیین‌کننده‌ای را ایفا کرد و انقلاب را از خطر «استحاله» و «انحراف» و «براندازی»، محفوظ نگاه داشت. ایشان در طول این سال‌های دشوار و سرشار از تلخی، مؤمنانه و مقتدرانه، تمام تلاش و توان خویش را مصروف صیانت از «جهت‌گیری کلی انقلاب» کردند و در این راستا، کارنامه‌ی درخشانی از خود به جا نهادند. تنها فتنه‌ی پیچیده و موزیانه‌ی تیرماه سال ۱۳۷۸ کافی بود تا انقلاب اسلامی، در مرداب توطئه‌ی چندلایه‌ی دشمنان فرو برود، اما حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (حفظه‌الله)، پروژه‌ی «فروپاشی از درون» را ناکام نمودند و اصلاح‌طلبان را مأیوس و درمانده ساختند. بی‌جهت نیست که امروز ایشان در کانون «سنگ‌اندازی‌ها» و «فضیلت‌سوزی‌ها»ی اصلاح‌طلبان

سکولار قرار گرفته و به لطایف‌الحیل سعی می‌شود تا از منزلت و مشروعیت و قداست جناب ایشان کاسته شود.

به این سبب، بازشناسی و بازخوانی جریان فکری و سیاسی «اصلاح طلبی سکولار»، از اهمیت و ضرورتی جدی برخوردار است. در این اثر پژوهشگر محترم، در قالب پنج فصل، «ساختار» نو و متفاوتی را برای تحلیل و فهم جریان اصلاح طلبی سکولار طراحی و ابداع کرده و سپس، انبوهی از «استنادات» و «ارجاعات» و «استنباطات» را در درون آن، جای داده است. در حقیقت، خصوصیت بدیع و نو بودگی این اثر، هم معطوف به «ساختار» آن است و هم برخاسته از «محتوا»ی آن؛ چنان‌که آثار مشابه، از چارچوب و ساختار غیرمنطقی و نادقیق رنج می‌رند و یا از نظر رجوع همه‌جانبه و محققانه به گفته‌ها و نوشته‌های اصلاح‌طلبان، کم‌مایه و کم‌کار بوده‌اند، و یا بر ادبیات علمی و غیرعامیانه، تکیه نداشته‌اند. اثر پیش‌رو، تا حد زیادی توانسته از نقایص و کاستی‌های یاد شده برهد و در مرتبه‌ای فراتر از پژوهش‌های مشابه و رقیب قرار بگیرد. مخاطب گرامی پس از مطالعه‌ی این کتاب درخواهد یافت که جریان اصلاح طلبی، از آنجا که ماهیتی سکولاریستی داشته و دارد، به هیچ‌رو، «در امتداد» و «در درون» گفتمان انقلاب اسلامی قرار نمی‌گیرد و جزئی و پاره‌ای از آن به شمار نمی‌آید، بلکه نقطه‌ی سیاسی «مقابل» و «معارض» با آن است.

نگارنده و محقق این اثر، جناب آقای مهدی جمشیدی، دانش‌آموخته‌ی مقطع کارشناسی‌ارشد رشته‌ی «جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی» از دانشگاه شاهد است و به تحقیق و مطالعه در زمینه‌ی «جامعه‌شناسی اسلامی»

مشغول است. کتاب پیشین وی با عنوان «بنیادهای اجتماعی وقوع انقلاب اسلامی در نظریه‌ی علامه مطهری»، توانست در پنجمین جشنواره‌ی بین‌المللی فارابی در سال ۱۳۹۰، رتبه‌ی شایسته‌ی تقدیر را به خود اختصاص بدهد. از وی، اثر دیگری با عنوان «نظریه‌ی فرهنگی علامه مطهری» نیز در آستانه‌ی انتشار است.

امیدوارم این اثر پژوهشی بتواند گوشه‌ای از واقعیت‌های محتاج تأمل و مذاقه‌ی «اصطلاح‌طلبی سکولار» را برای مخاطبان گرامی، آشکار سازد و به تولید «بصیرت اجتماعی» - که لازمه‌ی قطعی صیانت از انقلاب اسلامی است - منجر گردد.

www.ketab.ir

زبان سرخ و سر سبز و دل زخمناک
خوش آن دم که در خون فتم، چاک چاک
سر سبز، گر سرخ گردد رواست
که این شیوه‌ی شیعه‌ی مرتضاست
(آقاسی، ۱۳۸۹: ۱۵۲).

مقدمه:

۱- مسأله‌ی پژوهش

جامعه‌ی ایران پیش از تماس فرهنگی و سیاسی با غرب متجدد^۱ در اواخر دوره‌ی قاجار، از احکام و احوال متفاوتی برخوردار بود؛ به گونه‌ای که این مقطع تاریخی را باید یک نقطه‌ی عطف و تعیین‌کننده در تحولات سیاسی و فرهنگی جامعه‌ی ایران به شمار آورد. از این دوره‌ی تاریخی به بعد، ساخت سیاسی و فرهنگی ما تا حدود زیادی دگرگون شد و فلسفه و تفکر و زندگی غربی، به پاره‌ای از «هویت جمعی»^۲ ما ایرانیان تبدیل شد. همچنین «طبقه‌ی روشنفکر»^۳ و «طبقه‌ی متوسط متجدد»^۴ به تدریج رشد کرده و گسترش یافتند. انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی(ره)، تمام این مناسبات و قاعده‌چینی‌های تاریخی و دیرینه را درهم شکست و نظم سیاسی و اجتماعی بی‌سابقه‌ای را رقم زد. با وجود این، یک دهه پس از وقوع این انقلاب و در حالی که بنیان‌گذار این انقلاب بزرگ، رحلت کرده بود، «دگراندیشی» و «دگردیسی» فکری و ایدئولوژیک در بخشی از فعالان و

1. Modern West.

2. Collective identity.

3. Intellectual class.

4. Modern middle class.

نیروهای انقلابی آغاز شد و به تدریج، بسط اجتماعی یافت. به این ترتیب، در طول سال‌های پایانی دهه‌ی شصت و سال‌های اولیه‌ی دهه‌ی هفتاد، طبقه‌ی متوسط متجدد در جامعه‌ی ایران، دوباره شکل گرفت و سامان و انسجام یافت؛ به صورتی که توانست در جریان انتخابات ریاست‌جمهوری در سال ۱۳۷۶، به حوزه‌ی مهمی از قدرت سیاسی راه یابد و دوران هشت ساله‌ی «اصلاحات» را پدید آورد. «اصلاح‌طلبی»، عنوانی بود که حاملان این جنبش برای خود برگزیدند، اما از آن‌جا که ماهیت اساسی و حقیقی این تحرک سیاسی و جریان اجتماعی را «سکولاریسم»^۱ تشکیل می‌دهد، نگارنده در این اثر، آن را «اصلاح‌طلبی سکولار»^۲ می‌خواند. در این پژوهش تلاش می‌شود تا یک روایت تحلیلی- جامعه‌شناختی^۳ از اندیشه‌ها، طرح‌ها، فراز و فرود سیاسی و چگونگی نقش‌آفرینی عاملان و فاعلان عمده‌ی این طبقه، در جامعه و حاکمیت سیاسی ایران در طول دو دهه‌ی گذشته (دهه‌های هفتاد و هشتاد) عرضه گردد.

۲- هدف‌های پژوهش:

۲-۱- هدف اصلی:

شناخت ماهیت، کنشگری و تحولات اصلاح‌طلبی سکولار در جامعه‌ی ایران.

۲-۲- هدف‌های فرعی:

- ۲-۲-۱- شناخت و تحلیل واقعی مشروطیت به مثابه مبدأ جابجایی ساختاری تجدّد و متجدّدان در جامعه‌ی ایران؛
- ۲-۲-۲- شناخت و تحلیل ماهیت نظری اصلاح‌طلبی سکولار؛

1. Secularism.

2. Secular reform.

3. Analysis - sociological narrative.

- ۳-۲-۲- شناخت و تحلیل علل جامعه‌شناختی ظهور اصلاح‌طلبی سکولار؛
۳-۲-۴- شناخت و تحلیل علل جامعه‌شناختی افول اصلاح‌طلبی سکولار؛
۳-۲-۵- شناخت و تحلیل مدخلیت علی اصلاح‌طلبی سکولار در وقوع
فتنه‌ی اجتماعی سال ۱۳۸۸

۳- سوئال‌های پژوهش:

- ۱-۳- سوئال اصلی:
ماهیت، کنشگری و تحولات اصلاح‌طلبی سکولار چگونه بوده است؟
۲-۳- سوئال‌های فرعی
۱-۳-۲- تجدّد و متجدّدان در واقعه‌ی مشروطیت، چگونه موفق به جاییابی
ساختاری در جامعه‌ی ایران شدند؟
۲-۳-۲- ماهیت نظری اصلاح‌طلبی سکولار چیست؟
۳-۳-۲- علل جامعه‌شناختی ظهور اصلاح‌طلبی سکولار چه هستند؟
۴-۳-۲- علل جامعه‌شناختی افول اصلاح‌طلبی سکولار چه هستند؟
۵-۳-۲- مدخلیت علی اصلاح‌طلبی سکولار در وقوع فتنه‌ی اجتماعی سال
۱۳۸۸ چگونه بوده است؟

۴- ضرورت‌های پژوهش:

استعمارگری غرب مدرن بر ضدّ سایر جوامع، سه دوره‌ی تاریخی را پیموده
است. در دوره‌ی اولیه که تا اواخر قرن نوزدهم ادامه یافت، «استعمار
کلاسیک» شایع بود؛ به این معنی که دولت‌های استعمارگر غربی تلاش
می‌کردند از طریق لشکرکشی و اشغال نظامی، اختیار و مهار سایر جوامع و
ملت‌ها را در دست بگیرند و منابع اقتصادی آن‌ها را به تاراج ببرند. در دوره‌ی
تاریخی دوم، «استعمار نو» رواج یافت که در آن، دولت‌های غربی به جای
حضور مستقیم در رأس حاکمیت سیاسی در این جوامع، افراد بومی را که

دست‌نشانده و وابسته به آن‌ها بودند، به قدرت می‌رساندند تا به این واسطه، منافع آن‌ها تأمین گردد. در مقابل، جنبش‌های مردمی متعدد سبب گردید تا بیشتر حکومت‌های وابسته و دست‌نشانده‌ی غرب - که از پایگاه اجتماعی برخوردار نبودند - سقوط کنند. در دوره‌ی متأخر، غرب در چارچوب «استعمار فراتو»، سیاست‌ورزی برون‌مرزی می‌کند؛ به صورتی که توان نظری و فرهنگی خویش بر روی تغییر دادن بینش‌ها و رفتارهای سایر جوامع به کار می‌گیرد تا به دست خود افراد این جوامع، حاکمیت‌های سیاسی همسو با غرب مستقر شوند. دولت‌های غرب برای عملیاتی کردن این گونه از استعمار، بیش از هر چیز از تکنولوژی‌های ارتباطی پیشرفته بهره می‌گیرند.

چریل بنارد، پژوهشگر بخش امنیت ملی مؤسسه‌ی مطالعاتی «رند»^۱، در کتاب خود با عنوان «اسلام دموکراتیک مدنی: رویکرد آمریکایی»^۲، گروه‌های سیاسی و فکری فعال در جوامع اسلامی را به چهار دسته‌ی «بنیادگرایان»^۳، «سنت‌گرایان»^۴، «مدرنیست‌ها»^۵، «سکولارها»^۶ تقسیم می‌کند (بنارد، ۱۳۸۴: ۱۶) و در نهایت تصریح می‌کند «مدرنیست‌ها و سکولارها، از نظر ارزش‌ها و خط‌مشی‌ها، نزدیک‌ترین گروه [ها] به غرب به شمار می‌آیند» (همان: ۱۷). محورهایی که او به عنوان چگونگی حمایت غرب از مدرنیست‌ها پیشنهاد می‌کند به این شرح است: چاپ و توزیع آثارشان با تخصیص بارانه، تشویق آن‌ها به نوشتن برای مخاطبان عام و به‌ویژه جوانان، طرح دیدگاه‌های آنان در برنامه‌های درسی و آموزش‌های دینی، ارائه‌ی خط‌مشی کلان به آن‌ها، اشاعه‌ی تفکر سکولاریسم^۷ و مدرنیسم^۸، تسهیل و تشویق به آگاهی یافتن در

1. Rand.

2. Civil Democratic Islam: the American approach.

3. Fundamentalists.

4. Traditionalists.

5. Modernists.

6. Secularists.

7. Secularism.

8. Modernism.

زمینه‌ی تاریخ و فرهنگ غیراسلامی و فرهنگ پیش از اسلام در مطبوعات و نظام آموزشی کشورهای اسلامی» (همان: ۱۷-۱۸). همچنین، وی می‌افزاید: «اساس دموکراسی غربی بر جدایی دین از دولت استوار است. از این رو، [دولت‌های غربی] سکولارها را بهترین متحدان غرب در جهان اسلام تلقی می‌کنند» (همان: ۶۰). بنارد در بخش سوم این کتاب، راهبردی را برای تقویت و گسترش اسلام دموکراتیک و مدنی عرضه کرده است که دربردارنده‌ی سیاست‌هایی از این دست است: حمایت پایدار و همه‌سویه از مدرنیست‌ها و سکولارها، تشویق برنامه‌ها و نهادهای فرهنگی و مدنی سکولار، کمک به شکستن انحصار سنت‌گرایی و بنیادگرایی در تفسیر اسلام، تشویق اندیشمندان مدرنیست به نوشتن کتاب و استفاده از رسانه‌های عمومی برای معرفی افکار مدرنیست‌ها (همان: ۹۷-۹۹). مطالعات و برنامه‌ریزی‌های متعددی از این دست در غرب، به روشنی نشان می‌دهد که اصلاح‌طلبی سکولار، محمل بسیار مناسبی برای تحقق پروژه‌ی براندازی ساختاری و یا حداقل استحاله‌ی مأموریت انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی است. از این رو، شناخت و تحلیل هر چه عمیق‌تر و دقیق‌تر آن ضرورت می‌یابد.

۵- پیش‌فرض‌های پژوهش:

از آن‌جا که سیاسی بودن جنس این پژوهش، خواه‌ناخواه، حساسیت و پرسش‌گری ویژه‌ی مخاطبان را نسبت به محتوای آن برمی‌انگیزد، نگارنده در گستره‌ی مقدمات، تلاش کرده تا بحث‌ها و تحلیل‌های خود را بر پیش‌فرض‌ها و اصول موضوعه^۱ی زیادی بنا نکند و در اغلب موارد، به اثبات جزئی و موشکافانه‌ی مدعیات خویش بپردازد. به بیان دیگر، از ابتناء اثر بر گزاره‌های شعاری، کلی و احساسی، تا حد قابل اعتنایی - در مقایسه‌ی با آثار

مشابه از نظر موضوع و مسأله- پرهیز شده است. با این حال، باید جایی را برای غفلت و لغزش پژوهشگر در نظر گرفت.

۶- قلمرو نظری پژوهش:

مطالعه‌ی ماهیت، کنشگری و تحولات اصلاح‌طلبی سکولار، در قلمرو «جامعه‌شناسی سیاسی»^۱ و «جامعه‌شناسی فرهنگ»^۲ صورت پذیرفته است، اما علاوه بر این، از جهت تجویزی و ایدئولوژیک، نگارنده به قلمرو «فلسفه‌ی سیاسی»^۳ و «فلسفه‌ی اجتماعی»^۴ نیز پا نهاده است. در واقع، این پژوهش دربردارنده‌ی چند قلمرو معرفتی و علمی است، اما آنچه اصل و پایه واقع شده و غالب است، تحلیل جامعه‌شناختی «اصلاح‌طلبی سکولار» است.

۷- مبانی نظری پژوهش:

در علم جامعه‌شناسی^۵، چشم‌اندازهای نظری گوناگونی برای مطالعه‌ی واقعیت فرهنگی^۶ وجود دارد (ریتزر، ۱۳۸۰؛ کرایب، ۱۳۸۶؛ لیتل، ۱۳۸۶)، اما نگارنده به سبب نگاه انتقادی خویش به علوم اجتماعی سکولار، از یک سو به دنبال طراحی «مبانی نظری»^۷ متفاوت و مستقل برای نظریه‌ی اجتماعی و فرهنگی است که ریشه در نظام معرفتی اسلام داشته باشد^۸، و از سوی دیگر،

-
1. Political Sociology.
 2. Sociology of Culture.
 3. Political philosophy.
 4. Social Philosophy.
 5. Sociology.
 6. Cultural reality.
 7. Theoretical Basics.

۸. این تلاش تاکنون منجر به استخراج، ساختاربندی و شرح پاره‌ای از مبانی نظری علامه‌ی شهید آیت‌الله مرتضی مطهری (رحمه‌الله علیه) در قلمرو جامعه‌شناسی و نظریه اجتماعی شده است، که در اثر پیشین نگارنده آمده است (جمشیدی، ۱۳۹۰).

تنها به برگرفتن پاره‌هایی از مفاهیم و گزاره‌های تحلیلی به عنوان ابزار نظری لازم برای فهم و تفسیر جهان اجتماعی^۱ و جهان فرهنگی^۲ بسنده می‌کند و پژوهش خود را به صورت مطلق، در ذیل هیچ‌یک از این رهیافت‌ها و نظریه‌ها قرار نمی‌دهد. بر این اساس، پژوهش پیش رو از قضایای بنیادی زیر به عنوان چارچوب نظری بهره می‌گیرد:

قضیه‌ی اول: در جهان اجتماعی، رابطه‌ای دو سویه و متقابل میان عاملیت‌های انسانی^۳ و ساختارهای اجتماعی^۴ وجود دارد (برخلاف نظریه‌ی کنش‌گرایی^۵ و نظریه‌ی ساختارگرایی^۶).

قضیه‌ی دوم: عاملیت‌های انسانی، به سبب برخورداری از ذهنیت و معنا و انگیزه، دارای کنش^۷ هستند و نه رفتار^۸ (برخلاف نظریه‌ی رفتارگرایی^۹).

قضیه‌ی سوم: ساختارهای اجتماعی نسبت به یکدیگر، خصوصیت جبری ندارند، بلکه در مقاطع تاریخی مختلف، نسبت‌های مختلفی میان آنها برقرار می‌شود (برخلاف نظریه‌ی کارل مارکس^{۱۰}).

قضیه‌ی چهارم: کنش‌های عاملیت‌های انسانی، همواره و صرفاً برخاسته از غریزه‌ی «منفعت‌جویی» و در چارچوب «عقلانیت ابزاری»^{۱۱} نیست، بلکه گاه

1 . Social world.

2 . Cultural world.

3 . Human agency.

4 . Social structures.

5 . Activism.

6 . Structuralism.

۷ . قرآن کریم یا صراحت، کنشگری عاملیت انسانی را در تغییر ساختارهای اجتماعی، مؤثر معرفی کرده است:

«إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱).

در حقیقت، خدا وضع قومی را تغییر نمی‌دهد، تا آنان وضع خود را تغییر بدهند.

8 . Action.

9 . Behavior.

10 . Behaviorism.

11 . Karl Marx.

12 . Instrumental rationality.

ریشه در ذات الهی و انسانی (فرا حیوانی) او - که در ادبیات دینی از آن به «فطرت» تعبیر می‌شود- دارد.^۱

۸- روش‌های گردآوری داده‌های پژوهش:

این پژوهش بر چارچوب «رهیافت کیفی»^۲ و مبتنی بر دو روش «مشاهده»^۳ و «مطالعه‌ی کتابخانه‌ای»^۴ انجام گرفته است. نگارنده از زمان دستیابی اصلاح‌طلبان به قدرت سیاسی در خردادماه سال ۱۳۷۶، همواره تلاش کرده تا واقعیت‌های این جریان را دریابد و در باب احوال و احکام آن تأمل نماید. صدها ساعت گفتگوی مستقیم با حامیان و هواداران این جریان، مطالعه‌ی روزنامه‌ها و مجلات وابسته به آن‌ها، حضور مستقیم و فعال در روند انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۷۶، مشاهده‌ی مستقیم و در صحنه‌ی ابعاد و پاره‌هایی از فتنه‌های سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۸۸، بازخوانی کتاب‌ها و نوشته‌های عاملان اصلی این جریان و ... از جمله فعالیت‌هایی بوده که نگارنده در طول دو دهه‌ی گذشته به منظور شناخت جریان «اصلاح‌طلبی سکولار» به انجام رسانیده است. بنابراین، اصلاح‌طلبی سکولار به مثابه یک واقعیت اجتماعی^۵، برای نگارنده، بُعد تاریخی نداشته است؛ یعنی چنان نبوده که این پدیده از دسترس او خارج، و به گذشته‌ی دور تعلق داشته باشد.

۱. در قرآن کریم، درباره‌ی فطرت‌مندی انسان و انطباق دین الهی با آن آمده است: «فَاقِمِ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ إِنَّكَ عَلَى الْقَيِّمِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (روم: ۳۰).

پس روی خود را با گرایش تمام، به حق به سوی این دین کن، با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است. آفرینش خدا، تغییرپذیر نیست. این است همان دین پایدار، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.

2. Qualitative approach.

3. observation.

4. Documentary study.

5. Social reality.

افزون بر این، متناسب با مبانی نظری دینی این پژوهش، به واسطه‌ی رجوع به قرآن کریم، از روش نقلی (وحيانی) نیز بهره گرفته شده است.

۹- رویکرد تحلیل داده‌های پژوهش:

این پژوهش از نظر رویکرد تحلیلی، به هر سه رویکرد «توصیفی»^۱، «تحلیلی»^۲ و «تجویزی»^۳ متمایل است؛ به گونه‌ای که در بخشی از آن، ماهیت واقعیت اجتماعی مورد شناسایی قرار گرفته، در بخشی دیگر، به علل مولد آن اشاره شده و در برخی مباحث نیز، توصیه و تجویز درباره‌ی آن صورت گرفته است.

۱۰- سطح پژوهش:

پژوهش حاضر دربردارنده‌ی فصل‌هایی است که از نظر گونه‌ی هویت معرفتی، باید آن را «توسعه‌ای»^۴ فیلد داد نمود؛ زیرا از یک سو، یک مسأله‌ی اجتماعی کلان را به عنوان موضوع برگزیده و از سوی دیگر، یافته‌های نو و متفاوتی درباره‌ی آن عرضه می‌کند.

۱۱- ساختار و چیدمان پژوهش:

اثر پیش رو، مشتمل بر پنج فصل و دربردارنده‌ی جستارهایی پیرامون جریان فکری و سیاسی موسوم به «اصلاحات» است که در دوم خرداد سال ۱۳۷۶، به درون قدرت سیاسی راه یافت. در فصل اول، به تحلیل پیشینه‌ی تاریخی بعید این نوع اصلاح‌طلبی پرداخته شده که همان جریان اصلاح‌طلبی مشروطه‌طلبان سکولار است. در این دوره از تاریخ معاصر ایران، روشنفکران

1. Descriptive.

2. Explanatory.

3. Normative.

4. Developmental.

سکولار متأثر از غرب، در صدد محقق‌سازی فلسفه‌ی سیاسی و اجتماعی غرب در ایران برآمدند و متأسفانه باید گفت تا حدود زیادی به این هدف دست یافتند و توانستند جامعه‌ی ایران را بر همین مبنا، مهندسی و طراحی کنند. شخصیت برجسته‌ای که در آن مقطع تاریخی غبارگرفته و تاریک، توانست هویت سکولاریستی جبهه‌ی روشنفکران غربزده را به خوبی بشناسد و در مقابل آن‌ها، صف‌آرایی کند، شیخ شهید، آیت‌الله فضل‌الله نوری (رضوان‌الله تعالی علیه) بود. بنابراین، این شهید مظلوم، نخستین چالشگر با اصلاح‌طلبی سکولار در جامعه‌ی ایران بوده است. مطالعه‌ی آراء و نظریه‌های روشنفکران سکولار عصر مشروطیت درباره‌ی مجلس و قانون‌گذاری، آزادی، مساوات و ... نشان می‌دهد که اصلاح‌طلبان متأخر همان دیدگاه‌ها و تفکرات را مجدداً بازتولید و مطرح ساخته‌اند و به نوعی، تکرار همان جریان تاریخی بوده‌اند. در واقع، نگارنده در اعماق تاریخ دور دست جامعه‌ی ایران، ریشه‌ها و سرچشمه‌های جریان ایدئولوژیک و سیاسی دوم خرداد را شناسایی کرده است. در فصل دوم، هویت فکری اصلاح‌طلبی سکولار، دلایل دگردیسی آن‌ها و سازوکارهای نظری اصلاح‌طلبی سکولار برای گذار از تفکر امام خمینی، بازخوانی شده است. در فصل سوم از علل کامیابی اصلاح‌طلبی سکولار در عرصه‌ی انتخابات سخن رفته و به علل زیر اشاره شده است: تعمیق شکاف طبقاتی در اثر سیاست اقتصادی دولت سازندگی، غفلت دولت سازندگی از فرهنگ، تحدید فضای سیاسی - انتقادی از سوی دولت سازندگی، دوگانگی‌ها و تناقض‌های ارزشی در رفتار کنشگران جریان راست، بسترآفرینی فرهنگی و معرفتی روشنفکران، ویژگی‌های متمایز و جذاب خاتمی، و حمایت گروه‌ها و احزاب سیاسی متعدد از خاتمی. فصل چهارم به مطالعه‌ی علل ناکامی اصلاح‌طلبی سکولار در عرصه‌ی انتخابات اختصاص دارد که در راستای آن، به هشت علت پرداخته شده است: تداوم سیاست تعدیل اقتصادی، تمرکز محض بر دغدغه‌های سیاسی و روشنفکرانه، ستیز با

باورها و ارزش‌های اسلامی و انقلابی، کشمکش درونی اصلاح‌طلبان، ناتوانی خاتمی در برآورده کردن مطالبات ساختارشکنانه، غوغازیستی و تنش‌آفرینی اصلاح‌طلبان، روشنگری‌های نیروها و جریان‌های انقلابی و متعهد، و امدادهای غیبی برخاسته از دعای صالحان. فصل پنجم معطوف به اثبات مدخلیت علی اصلاح‌طلبی سکولار در وقوع فتنه‌ی اجتماعی سال ۱۳۸۸ است. به همین منظور، ابتدا نمایی مختصر از سیر رویدادهای این فتنه بیان شده و سپس به دو دسته علل مؤلف اشاره گردیده است: یکی علل بعید و بنیادی، دیگری علل فریب و جزئی.

۱۲- تعریف مفاهیم کلیدی پژوهش:

۱۲-۱- اصلاح و اصلاح‌طلبی

هر چند که مرز میان «اصلاح»^۱ و «انقلاب»^۲، گهگاه کمرنگ می‌شود، اما این دو پدیده، از نظر شتاب، پهنه و جهت‌دگرگونی در نظام‌های سیاسی و اجتماعی، تفکیک‌پذیر هستند. انقلاب به یک دگرگونی سریع، کامل و خشونت‌آمیز در ارزش‌ها، ساختار اجتماعی، نهادهای سیاسی، سیاست‌های حکومتی و رهبری سیاسی - اجتماعی اطلاق می‌شود. هر چه این دگرگونی‌ها تمام‌عیارتر باشند، انقلاب نیز خصلتی نام‌تر به خود می‌گیرد. یک انقلاب بزرگ (یا اجتماعی) به معنای دگرگونی‌های مهم در همه‌ی ابعاد نظام سیاسی و اجتماعی است. اما دگرگونی‌هایی را که دامنه‌شان محدود بوده و از نظر سرعت، رهبری، خط مشی و نهادهای سیاسی، خصلتی میانه‌روتر داشته باشند، می‌توان در مقوله‌ی اصلاحات قرار داد (هانتینگتون، ۱۳۸۶: ۴۹۷).

1. Reform.

2. Revolution.

مقصود نگارنده در این پژوهش از جریان اصلاح‌طلبی سکولار، جریان سیاسی و فکری‌ای است که با تکیه بر مقدمه‌چینی‌ها و بسترسازی‌های لازم در طول سال‌های ۷۶-۱۳۶۸ توانستند در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۷۶ کامیاب شوند و به درون ساختار سیاسی راه یابند. این جریان، مشتمل بر سه لایه است:

یکم. لایه‌ی «احزاب سیاسی» از قبیل مجمع روحانیون مبارز، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، جبهه‌ی مشارکت ایران اسلامی و به طور کلی احزاب هجده‌گانه‌ی جبهه‌ی دوم خرداد؛

دوم. «روشنفکران سکولار و شبه‌دینی» همچون عبدالکریم سروش، محسن کدیور، محمد مجتهد شمسیری، مصطفی ملکیان، مرتضی مردی‌ها، بابک احمدی، عمادالدین باقی، حمیدرضا جلالی‌پور و سایر فعالان حلقه‌ی کیان؛ سوم. «توده‌هایی از مردم» که از جهت فرهنگی باید آن‌ها را - با درجات و مراتب مختلف - جزء طبقه‌ی متوسط متجدد به شمار آورد.

۲-۱۲- طبقه‌ی متوسط متجدد

طبقه‌ی متوسط متجدد^۱، به صورت عمده، محصول فرآیند مدرنیزاسیون^۲ عصر پهلوی بوده و خود در پیشبرد آن فرآیند نقش داشته است. به یک تعبیر، طبقه‌ی متوسط مدرن و به‌ویژه بخش روشنفکری آن، یکی از عناصر و ارکان دولت مدرن و بوروکراتیکی را تشکیل داده‌اند که در قرن بیستم در ایران، کم‌وبیش، استقرار یافت. همین طبقه از آغاز محمل اصلی ایدئولوژی‌های لیبرالیسم^۳، سکولاریسم^۴ و مدرنیسم^۵ بوده است. خواست‌های

1. Modern middle class.

2. Modernization.

3. Liberalism.

4. Secularism.

5. Modernism.

عمده‌ی طبقه‌ی متوسط مدرن شامل تجدید هویت و سنت‌های ملی ایران، منع دخالت روحانیون در سیاست، وضع نظام قانون اساسی جدید به شیوه‌ی اروپا، تأسیس نهادهای سیاسی بر اساس حاکمیت ملی و ایجاد مبانی دولت ملی مدرن به جای دولت‌های سنتی و کاریزماتیک^۱ بوده است. مسائلی چون دفاع از آزادی برابری، مشروطیت قدرت و حاکمیت ملی و نوع رابطه میان دین و دولت، همواره میان این طبقه و طبقات سنتی به‌ویژه روحانیت، اختلاف افکنده است. دولت نوساز پهلوی، روی هم رفته تا اندازه‌ای خواست‌های اجتماعی و فرهنگی طبقه‌ی متوسط مدرن را برآورده می‌ساخت، هرچند ظرفیت لازم برای تأمین خواست‌های سیاسی آن طبقه را نداشت (بشیره، ۱۳۸۵: ۲۴). طبقه‌ی متوسط مدرن، پس از انقلاب اسلامی به تدریج مواضع سیاسی خود را از گروه‌های سنت‌گرای اسلامی متمایز ساخت و با عرضه‌ی تعبیری دموکراتیک‌تر از اسلام، زمینه‌ی اجتماعی اپوزیسیون سیاسی^۲ در جمهوری اسلامی را تشکیل داد (همان: ۲۵). هسته‌ی اصلی احزاب و گروه‌ها سیاسی این طبقه در دوران بعد از انقلاب را، اپوزیسیون قدیم رژیم شاه تشکیل می‌داد و مهم‌ترین خواست آن‌ها، تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی از طریق محدود کردن ساختار قدرت سیاسی و ایجاد نوعی مشروطیت یا جمهوری بود (همان: ۲۹). نیروی سیاسی طبقه‌ی متوسط مدرن، ظهور خود را در دهه‌ی ۱۳۷۰ به تدریج آشکار ساخت و تحولات سیاسی محسوس و نامحسوسی را با خود به همراه آورد (همان: ۱۳۶-۱۳۵).

روشنفکران، هسته‌ی مرکزی نیروی سیاسی طبقه‌ی متوسط مدرن را تشکیل می‌دهند و از تحولات گسترده‌ی فرهنگی، سیاسی و اجتماعی حمایت می‌کنند و از آبخور مکاتب فکری غرب و بعضاً ترکیب آن‌ها با

1. Charismatic.

2. Political opposition.

اسلام سیراب می‌شوند. سنت‌های مختلف مارکسیسم نو^۱، اگزیستانسیالیسم^۲، هرمنیوتیک^۳، پست‌مدرنیسم^۴ و لیبرالیسم^۵ بر این نسل از روشنفکران مؤثر بوده است. تعبیر و تفسیر مجدد و نواندیشانه‌ی سنت دینی، یکی از ویژگی‌های مشترک نسل جدید روشنفکران است. از این رو، اصلاح دینی یکی از علایق فکری آن‌ها را تشکیل می‌دهد (همان: ۱۳۷).

این طیف، سازنده و مدافع «گفتمان دموکراسی»^۶ بوده است. در طی تاریخ سیاسی ایران در قرن بیستم در مقابل گفتمان‌های سیاسی هژمونیک^۷، «گفتمان دموکراسی» ظهور یافته است. این گفتمان که از دوران انقلاب مشروطه شکل گرفت، بر کردارهایی چون محدودیت قدرت، قانون‌گرایی، مشارکت، رقابت، تحمل و تساهل، نوگرایی و قرائت دموکراتیک از دین تأکید گذاشته است. از نظر تاریخی، «گفتمان دموکراسی» چند ظهور اصلی داشته است:

یکم. این که در مقابل پاتریمونیالیسم^۸ قاجار، در قالب جنبش انقلابی مشروطه ظهور یافت؛

دوم. در مقابل مدرنیسم مطلقه‌ی پهلوی، در قالب نهضت ملی ظهور پیدا کرد؛

سوم. در مقابل سنت‌گرایی ایدئولوژیک، پس از انقلاب اسلامی و به ویژه پس از سال‌های ۱۳۷۶ در قالب نهضت جامعه‌ی مدنی^۹ تجسم یافته است.

-
1. Neo-Marxism.
 2. Existentialism.
 3. Hermeneutics.
 4. Postmodernism.
 5. Liberalism.
 6. Democracy.
 7. Hegemonic.
 8. Patrimonialism.
 9. Civil society.

در آخرین قرائتی که از این گفتمان پس از انتخابات خرداد ۱۳۷۶ ظاهر شد، عناصر مختلفی چون قانون‌گرایی به شیوه‌ی جنبش مشروطه، ضدیت با استبداد به شیوه‌ی نهضت ملی و تعبیری مدرن و دموکراتیک از اسلام به شیوه‌ی جریان روشنفکری دینی در آن یافت می‌شود (همان: ۷۱). فشارهای ناشی از دموکراتیزاسیون^۱ از داخل ایران، تا پیش از دهه‌ی ۱۳۷۰، روی هم رفته غیرفعال و فرآیند دموکراتیزاسیون، کند و محدود بود. اما در دهه‌ی ۱۳۷۰، فشارهای دموکراتیزاسیون محمل اجتماعی گسترده‌تری یافت و بخش‌های عمده‌ای از نیروهای طبقات متوسط مدرن در ائتلاف با گروه‌های سیاسی داخلی، پایگاه اجتماعی فرآیند دموکراتیزاسیون را تشکیل داده‌اند (همان: ۱۸۷). در اوایل انقلاب، پس از ظهور شکاف اول میان نیروهای ائتلاف انقلاب، بخش‌های عمده‌ای از طبقات و نیروهای اجتماعی و سیاسی مدرن به ویژه روشنفکران و طبقه‌ی متوسط مدرن، دچار انفعال سیاسی شده بودند. بعد از سال ۱۳۶۸ با تشدید شکاف در درون بلوک نیروهای سنتی مسلط (نخست پیدایش شکاف میان آنچه راست سنتی و چپ سنتی خوانده شده و سپس میان راست سنتی و راست مدرن)، بخش‌هایی از بلوک نیروهای سنتی نیز دچار انفعال نسبی شدند. مجموع نیروهایی که در آن دو مرحله از دایره‌ی فعالیت و رقابت سیاسی حذف شده بودند، پایگاه اجتماعی حمایت از دوم خرداد را تشکیل می‌دادند (همان: ۸۷).^۲ در حقیقت، دوم

1. Democratization

۲. برای مطالعه‌ی پاره‌ای دیگر از ویژگی‌ها و خصایص گفتمان تجدّدطلبی متأخر نگاه کنید به: (کچوئیان، ۱۳۸۷: ۲۱۹ - ۲۲۴). همچنین در عرصه‌ی دین‌پژوهی، رشاد یک دسته‌بندی منطقی از گفتمان‌های موجود در جامعه‌ی معاصر ایران عرضه کرده است: «گفتمان متجمّد» که بر دریافت‌ها و ذخایر بازمانده از پیشینیان، تسلّب دارد و از نوآوری و تحول، گریزان و هراسناک است؛ «گفتمان متجدّد» که دلبسته‌ی غرب است و از آن بسیار تأثیر پذیرفته است، آنچنان که خویش را از منظر و زاویه‌ی تفکر غربی می‌نگرد و معنا می‌کند؛ «گفتمان مجدّد»، که از یک سو، نه متصلّب بر موارث معرفتی گذشته است و نه منقطع از آن، و از سوی دیگر، نه در پی نفی غرب است و نه خواستار هضم شدن در آن (رشاد، ۱۳۸۸: ۱۳۳ - ۱۳۴).

خرداد از ریشه‌های اجتماعی برخوردار بود و به همین دلیل، آن را باید یک جنبش اجتماعی به شمار آورد:

«از لحاظ اجتماعی، دوم خرداد یک جنبش است نه یک هیجان جمعی یا یک جبهه و حزب سیاسی یا یک نهاد بوروکراتیک. [...] دوم خرداد از این نظر اجتماعی است که در سطح جامعه، تعداد زیادی از گروه‌ها، رسانه‌ها، سازمان‌ها، محافل، شخصیت‌ها و مردم، بدون این که همدیگر را بشناسند، به تحقق اهداف خاصی علاقه نشان می‌دهند و آن را بی می‌گیرند.» (جلایی‌پور، ۱۳۷۹: ۱۵-۱۶).

۱۲-۳- سکولاریسم

سکولاریسم به معنی جدانگاری دین از سیاست، قدسیت‌زدایی از امور اجتماعی، منحصر دانستن دین در امور فردی و عبادی و به طور کلی، راندن دین از عرصه عمومی^۱ به عرصه خصوصی^۲ است. البته از آن جا که یکی از مهم‌ترین عرصه‌های اجتماعی که دست دین از آن کوتاه می‌شود، سیاست و حکومت است؛ سکولاریسم را غالباً به عنوان جدایی دین از سیاست، تفسیر و معنا می‌کنند. در دوران مدرنیته، سکولاریسم به صورت یک اصل مقبول و عام سیاسی درآمد و حکومت‌های غربی که در دوران قرون وسطی^۳، وابسته به کلیسای کاتولیک بودند، به طور کلی، مفاهیم و گزاره‌های دینی را کنار نهادند و میان دین و سیاست، فاصله و جدایی افکندند. به این ترتیب، اکنون تمام حکومت‌های غربی، سکولار^۴ هستند؛ بلکه اساساً تمدن و فرهنگ غرب، سکولار و غیردینی است. اکنون در غرب، نظام اجتماعی جوامع مختلف بر مبنای دریافت‌ها و دستاوردهای عقل و تجربه و بدون کمترین نظری به

1 . Public sphere.

2 . Private sphere.

3 . Middle Ages.

4 . Secular.

احکام دینی، تدبیر و هدایت می‌شود.^۱ انسان متجدد می‌پندارد که به حدی از توانایی و قدرت دست‌یافته که دیگر محتاج تعالیم و آموزه‌های دین نیست و خودش مستقلاً قادر است زندگی‌اش را به بهترین صورت، سامان ببخشد و مهندسی نماید. قرآن کریم به همین حقیقت اشاره می‌کند که شکل‌گیری احساس «بی‌نیازی» در انسان، موجبات «سرکشی» او را فراهم می‌سازد:

«كُلَّ إِنْسَانٍ لَّيْطْفِي أَنْ رَأَاهُ اسْتَفْتَى» (علق: ۶-۷).

حقا که انسان سرکشی می‌کند، همین که خود را بی‌نیاز از خداوند پندارد.

برخی می‌گویند سکولاریسم چیزی نیست جز علمی و عقلانی شدن تدبیر اجتماع (سروش، ۱۳۸۸: ۴۲۴). قصه‌ی سکولاریسم، قصه‌ی عقل‌غیردینی است که اگرچه ضد دینی نیست، دینی هم نیست و مهم‌ترین حجابی که میان او و دین آویخته است، همان عقل فلسفی و فلسفه‌ی عقلی است (همان: ۴۴۳).

باربیه با مطالعه‌ی تحولات سیاسی و نظری درباره‌ی رابطه‌ی دین و سیاست در غرب، چهار برداشت را استنباط و تحلیل کرده است: برداشت دینی که دلالت بر تفوق دین بر سیاست دارد و قائلانی هم‌چون مارتین لوتر^۲ و ژان کالون^۳ دارد؛ برداشت ابزاری از دین که مبتنی بر تبعیت دین از سیاست است و از سوی نیکولو برناردو ماکیاوی^۴، بارون دو منتسکیو^۵، توماس هابز^۶، ژان ژاک روسو^۷ و بندیکت دو اسپینوزا^۸ مطرح شده است؛

۱. برای مطالعه‌ی تفصیلی مباحث اجتماعی و نظری درباره‌ی تجربه‌ی عرفی شدن در مسیحیت و اسلام، نگاه کنید به: (شجاعی‌زند، ۱۳۸۳).

۲. Martin Luther.

۳. Jean Calvin.

۴. Niccolò di Bernardo dei Machiavelli.

۵. Baron de Montesquieu.

۶. Thomas Hobbes.

۷. Jean-Jacques Rousseau.

۸. Benedict de Spinoza.

برداشت لیبرالی که خواهان تفکیک دین از سیاست است و جان لاک^۱ و الکسی دو توکویل^۲ از آن دفاع می‌کنند؛ برداشت انتقادی از رابطه‌ی دین و سیاست که سوسیالیست‌ها و مارکسیست‌ها به آن تمایل دارند (باربیه، ۱۳۸۴).

توطئه‌ی فرهنگی دشمنان بر ضد انقلاب اسلامی در ساحت اندیشه و باور سیاسی، سه لایه داشته است (مصباح‌یزدی، ۱۳۷۸ الف: ۲۹ - ۳۳):

یکم. «سکولاریسم حداکثری»^۳. در لایه‌ی اول، آن‌ها بر صورت اصلی و کامل نظریه‌ی سکولاریسم (تفکیک دین از سیاست) پای می‌فشرند تا به واسطه‌ی آن، اصل «حکومت دینی»، به مفهوم متناقض‌نما مبدل شود؛

دوم. «سکولاریسم میانه»^۴. در لایه‌ی دوم، این چنین تبلیغ می‌شود که هر چند دین و سیاست، از جهاتی به یکدیگر ارتباط دارند و می‌توان مقوله‌ای به عنوان حکومت دینی را منطقی دانست، ولی نظریه‌ی «ولایت فقیه»، تصویر و تلقی معوجی از این ارتباط و پیوستگی است. برای دینی بودن حکومت، نظارت عالمان دینی بر قوانین حکومتی کافی است و نیازی به نهاد ولایت فقیه و قرار گرفتن او در رأس ساختار سیاسی نیست؛

سوم. «سکولاریسم حداقلی»^۵. در لایه‌ی سوم، به شکلی از ولایت فقیه که در انقلاب اسلامی تحقق یافت اعتراض، و ادعا می‌شود که این شکل به دلیل تضاد با دموکراسی، پذیرفتنی و موجه نیست.

۱۳- اهم نتایج و یافته‌های پژوهش:

۱۳-۱- روشنفکران غرب‌گرا در جریان واقعه‌ی مشروطیت، در پی غربی‌سازی جنبش مشروطیت برآمدند و خوانشی سکولاریستی از آن عرضه

۱ . John Locke.

۲ . Alexis de Tocqueville.

۳ . Maximum secularism.

۴ . Middle secularism.

۵ . Secularism minimal.

کردند. در آن دوره، نخستین کسی که ماهیت حقیقی این نیروی اجتماعی نوظهور را دریافت و به سختی در مقابل دستیابی آن‌ها به اهداف‌شان ایستاد، شهید آیت الله شیخ فضل‌الله نوری بود. شیخ فضل‌الله به خوبی دریافته بود که روشنفکران غرب‌زده در لفافه‌ی مشروطه‌خواهی، به دنبال کنار زدن شریعت و مسلط کردن قوانین غربی بر جامعه‌ی ایران هستند. از این رو، «استبداد فجری» را که دست‌کم در ظاهر، حریم و حرمت شریعت را پاس می‌داشت، بر «روشنفکری سکولار» که هیچ‌گونه باور و اعتقادی به شریعت نداشت، ترجیح داد و بر طبل مخالفت با مشروطه‌ی سکولار کوفت. ولی مقاومت ایشان نتیجه نداد و جریان روشنفکری، سرنوشت مشروطه را با حاکمیت غرب‌زدگی و سکولاریسم پیوند زد. این موقعیت سیاسی و فرهنگی، میراث مشروطه‌ی سکولار برای جامعه‌ی ما بود؛ موقعیتی که از متن آن، «طبقه‌ی متوسط متجدد» برخاست و «اصلاح‌طلبی سکولار» را رقم زد.

۲-۱۳- مقصود اصلاح‌طلبان از اصلاح‌طلبی و دموکراتیزاسیون، زدودن منشأ و خاستگاه دینی نظام سیاسی و نشان دادن تلقی سکولاریستی به جای آن بوده است. در تلقی اصلاح‌طلبانه، جمهوری اسلامی از نظر منبع تحصیل مشروعیت سیاسی، وابسته به «مردم» است نه «خداوند». از این رو، لازمه‌ی تحقق دموکراسی مورد نظر اصلاح‌طلبان، سکولاریسم است. اصلاح‌طلبان به منظور دستیابی به جامعه‌ی دموکراتیک و سکولاریستی مورد نظر خود، چاره‌ای نداشتند جز آن که ماهیت نظام سیاسی را استحال کنند. از این رو، پروژه‌ی اصلاح‌طلبی، «بازگشت به انقلاب» یا «حرکت در مسیر انقلاب» نبود، بلکه در حقیقت، منحرف ساختن نظام سیاسی از مسیری بود که انقلاب اسلامی و امام خمینی (ره) ترسیم کرده بود.

۳-۱۳- ظهور اصلاح‌طلبان، پدیده‌ای تک‌علتی^۱ نبوده است و نباید در مقام تبیین آن، بر روی عامل و علت خاصی متمرکز شد و از مدخلیت علل دیگر

غفلت ورزید. این واقعیت اجتماعی، معلول اثرگذاری علی (مستقیم یا غیرمستقیم) مجموعه‌ای از عوامل تودرتو و پیچیده‌ی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بوده است. علی که موجب گردیدند تا اصلاح‌طلبان بتوانند توجه افکار عمومی را به سوی خود جلب کنند و در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۷۶ و انتخابات بعدی پیروز شوند و به درون حاکمیت سیاسی راه یابند عبارتند از: تعمیق شکاف طبقاتی در اثر سیاست اقتصادی دولت سازندگی، غفلت دولت سازندگی از فرهنگ، تحدید فضای سیاسی - انتقادی از سوی دولت سازندگی، دوگانگی‌ها و تناقض‌های ارزشی در رفتار کنشگران جریان راست، بسترآفرینی فرهنگی و معرفتی روشنفکران، ویژگی‌های متمایز و جذاب خاتمی، حمایت گروه‌ها و احزاب سیاسی متعدد از خاتمی، البته روشن است که علل مؤثر، بیش از این تعداد است، اما به نظر می‌رسد که عمده‌ترین علل، در میان این فهرست باشند.

۴-۱۳- اگر چه اصلاح‌طلبان در سال ۱۳۷۶، دارای پایگاه اجتماعی وسیعی بودند و این پایگاه اجتماعی در سال‌های بعد گسترش بیشتری یافت، اما دیری نپایید که بدنه‌ی اجتماعی اصلاح‌طلبان دچار ریزش فراوانی شد و آن‌ها منزلت و موقعیت اجتماعی خود را تا حدود بسیار زیادی از دست دادند. علل ناکامی اصلاح‌طلبی سکولار در عرصه‌ی انتخابات عبارتند از: تداوم یافتن سیاست تعدیل اقتصادی^۱، تمرکز محض بر دغدغه‌های سیاسی و روشنفکرانه، ستیز با باورها و ارزش‌های اسلامی و انقلابی، کشمکش درونی اصلاح‌طلبان، ناتوانی خاتمی در برآورده کردن مطالبات ساختارشکنانه، غوغا‌رستی و تنش‌آفرینی اصلاح‌طلبان، روشنگری‌های نیروها و جریان‌های انقلابی و متعهد، و امدادهای غیبی برخاسته از دعای صالحان.

۵-۱۳- اصلاح‌طلبان سکولار در دهه‌های هفتاد و هشتاد، دو فتنه‌ی اجتماعی پیچیده و موزیانه را بر نظام اسلامی تحمیل کردند: فتنه‌ی سال ۷۸

و فتنه‌ی سال ۸۸، فتنه‌ی سال ۸۸ تنها به حوادث دوران انتخابات باز نمی‌گردد، بلکه ریشه‌های عمیق و علل دیرینه‌ای در آن مداخلت داشته‌اند. گفتمان‌های سازندگی و اصلاحات در طی هشت سال حاکمیت خود، زاویه‌ها و شکاف‌هایی با گفتمان انقلاب اسلامی و امام خمینی پیدا کردند. در گفتمان سازندگی، توسعه‌ی اقتصادی^۱ بی‌اعتنا به عدالت در دستور کار قرار گرفت و «شکاف‌های جدی اقتصادی و طبقاتی در جامعه» شکل گرفت. در گفتمان اصلاحات، توسعه‌ی سیاسی^۲ مبتنی بر دموکراسی سکولار و «اباحه‌گری اخلاقی» رواج یافت و ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب در حوزه‌های مختلف، آسیب دید. به خصوص باید تأکید کرد که گفتمان اصلاحات، در واقع یک «انحراف از مسیر انقلاب اسلامی» بود و حاملان و فاعلان این گفتمان، تلاش‌های بسیاری برای تبدیل «نظام اسلامی» به یک «نظام سکولار» انجام دادند. در واقع، از صحنه خارج کردن احمدی‌نژاد و اصول‌گرایان، یک هدف مقدماتی و اولیه بود برای هدف نهایی و اصلی آنها که خود را آن «مهار رهبری» می‌خواندند.

۱۴- گستره‌ی دستاوردهای مترتب بر پژوهش:

- ۱-۱۴- فراهم شدن زمینه برای تولید نظریه‌ی دینی در عرصه‌ی علوم اجتماعی به واسطه‌ی تحلیل و مفهوم‌پردازی دینی؛
- ۲-۱۴- آشکار شدن هر چه بیشتر ماهیت جریان اصلاح‌طلبی سکولار در دیده‌ی نخبگان و فضای ذهنی توده‌های مردم؛
- ۳-۱۴- فراهم شدن مبنایی تحقیقی و نظری برای تدبیر کلان‌نگاره‌ی طبقه‌ی متوسط متجدد؛

1. Economic development.

2. Political development.

۱۵- پیشینه‌ی پژوهش:

درباره‌ی جریان اصلاح‌طلبی سکولار - به معنایی که این پژوهش در نظر دارد و با رویکرد انتقادی - کارهایی زیادی در قالب کتاب انجام گرفته است، که شاید تعداد آنها به پنجاه عنوان برسد، اما این اثر از خصوصیات برخوردار است که آن را از آثار مشابه، متمایز می‌سازد؛ به صورتی که به نظر می‌رسد تاکنون پژوهشی با چنین ساختار و مضمونی در زمینه‌ی جریان اصلاح‌طلبی سکولار، منتشر نشده است.

۱۶- نوآوری‌ها و مزیت‌های پژوهش:

- ۱-۱۶- ایجاد یک «ساختار تحلیلی» نو و بدیع برای فهم و خوانش جریان اصلاح‌طلبی سکولار؛
- ۲-۱۶- ابتناء بر «ادبیات» و «اصطلاحات» رایج در موضوع پژوهش که تضاد و اصطکاکی با ایدئولوژی اسلامی ندارند؛
- ۳-۱۶- برخورداری از «جامعیت نسبی» به دلیل گردآوری حجم زیادی از اطلاعات موجود در موضوع پژوهش؛
- ۴-۱۶- رجوع به «منابع اصلی و دست اول»، و نه تفسیر و تحلیل‌ها و منابع دست دوم در موضوع پژوهش؛
- ۵-۱۶- قرار داشتن در چارچوب ارزشی و ایدئولوژیک انگاره‌ی «علوم انسانی اسلامی».

۱۷- ملاحظات و تذکرات نظری:

- ۱-۱۷- در این پژوهش، نگارنده به دنبال عرضه‌ی بحثی «الهیاتی»^۱ و «فلسفی»^۲ نیست؛ یعنی نمی‌خواهد با استدلال‌های فقهی، کلامی یا عقلی،

1. Theological.

2. Philosophic.

بطلان سکولاریسم یا لیبرالیسم را اثبات نماید. در واقع، پرداختن به این گونه مقولات، خارج از دامنه‌ی تکالیف این پژوهش «جامعه‌شناختی»^۱ است و نسبت به آن، حکم «اصول موضوعه» را دارد. از این رو، گزاره‌هایی از این دست را جزء مفروضات پژوهش انگاشته و به غیر از پاره‌ای موارد، به نفی و اثبات آن‌ها پرداخته‌ایم. بنابراین، لازم است توقع معرفتی مخاطب گرامی، در چنین چارچوب و حدودی قرار گیرد.

۲-۱۷- سیاسی بودن ماهیت این پژوهش، خواه‌ناخواه، اتهام «سوگیری» و «جانبداری» را نسبت به آن پُر رنگ و برجسته می‌سازد؛ هم‌چنان که سایر پژوهش‌های سیاسی نیز موقعیت مشابهی دارند. برای رفع چنین اتهامی و یا حداقل، رقیق کردن آن، نگارنده تلاش کرده تا در تمامی موارد، ادعاهای خویش را به گفته‌های صریح و مرتبط فعالان و عاملان اصلاح‌طلب مستند سازد و یا شواهد عینی و تجربی عرضه نماید. حجم بالای ارجاعات و نقل‌قول‌های این پژوهش بدان دلیل است که اعتماد و اطمینان معرفتی مخاطب جلب گردد و او از تردید فاصله بگیرد.

۳-۱۷- نگارنده بر این باور است که نقد «مدیران» و «مسوؤلان» عالی‌رتبه‌ی گذشته و کنونی نظام اسلامی، و همچنین نقد «نیروهای انقلابی» میانی و فکری، به معنی نقد اصل «انقلاب» و «نظام» نیست؛ چراکه می‌باید میان «ساختار سیاسی» و «عاملیت‌های انسانی» جای گرفته در درون آن، تمایز و تفکیک قائل شد و این دو راه را، یک واقعیت درهم‌بافته و به یکدیگر پیوسته تصور نکرد. انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی، مسأله‌ای با چند شخصیت و چهره‌ی سیاسی نیست که نفی آن‌ها ملازمت با نفی اجزاء و تشکیل دهنده‌ی انقلاب و نظام باشد. متأسفانه، بسیاری از تحلیل‌گران سیاسی، از چنین حقیقتی غفلت کرده و رجال سیاسی متنفذ را، «ارکان» و «عناصر» انقلاب و نظام معرفی می‌کنند.

۴-۱۷- نگارنده در هیچ مقطعی از حیات فکری و سیاسی خویش، تمایل و گرایشی به جریان اصلاح‌طلبی نداشته و در هیچ‌یک از انتخابات‌های برگزار شده، به فهرست‌ها و چهره‌های متعلق به این جریان، رأی نداده است، بلکه از آغاز، در زمره‌ی مخالفان جدی و سرسخت آن بوده است. اما این نوع موضع‌گیری صریح و قاطعانه، به معنی اندیشیدن در سایه‌ی تعلقات حزبی و یا در پارچوب تفکر قالبی نگرستن به موضوع پژوهش نیست؛ چراکه وی تاکنون در هیچ یک احزاب جناح راست نیز فعالیت نکرده است.

۵-۱۷- بدون شک، بحث درباره‌ی جریان اصلاح‌طلبی سکولار، دامنه‌ای بسیار دراز دارد و آنچه در این اثر خواهید خواند، تنها در حد یک «مقدمه» و «درآمد»ی بر گفتنی‌های بی‌شماری است که باید در سال‌های آینده، نگاشته و تحلیل شوند.

۱۸- تقدیر و تشکر:

در مدت سه سالی که در پی فراهم‌سازی این اثر بودم (۹۱-۱۳۸۸)، از لطف و مساعدت برخی از بزرگان و دوستان بهره‌مند گشتم. در این جا، از همسر، خانم شیما جمالی سپاسگذارم که صمیمانه و متعهدانه، هم تایپ بخش‌های زیادی از پژوهش را به انجام رساند و هم ویرایش آن را بر عهده گرفت؛ همچنین از آقای مجید کوخایی که با ذوق و هنرورزی خویش، جلد کتاب را طراحی نمود، و خانم مرضیه محمدی فرهود نیز منت صفحه‌آرایی اثر برنگارنده نهادند و هیأت و سیمایی جذاب به آن بخشیدند، تشکر می‌کنم. از اهل اندیشه و قلم استدعا دارم که نظرات و نکته‌های خویش را درباره‌ی این اثر، به نگارنده انتقال بدهند تا شاید پاره‌ای از نقایص و کاستی‌های بی‌شمار آن برطرف گردد. امید است این پژوهش بتواند به روشن شدن هر چه بیشتر و عمیق‌تر افکار عمومی نسبت به خاستگاه‌ها و برنامه‌ها و غایات

اصلاح طلبی سکولار / ۴۱

جریان «اصلاح طلبی سکولار» کمک نماید و روایتی گویا و شفاف از التقاط زدگی معرفتی و فریب کاری سیاسی آن ها عرضه کند.

و صل الله علی محمد و آله الطاهرين

مهدی جمشیدی

۲۱ رمضان المبارک ۱۴۳۳ (قمری هجری)

www.ketab.ir